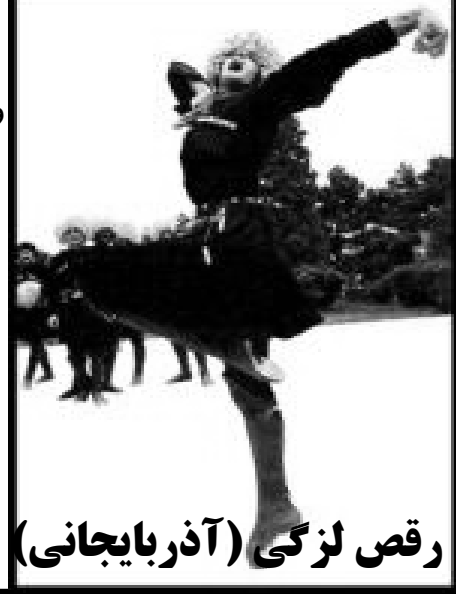




نشریه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنگنه ویژه نامه دانشجویان جدیدالورود

سال اول شماره اول شهریور ماه 85

# AÇIQ SÖZ



رقص لژگی (آذربایجانی)

özel sayı şəhrivər ayı(85) zəngan bilimyurdunun islamsal toplumun siyasal ,kültürel ,toplumsal dərgisi

## باش سۆز

با سلام و خوش آمد گویی به تمامی دانشجویان عزیز به خصوص دانشجویان جدید ورود و تبریک قبولی در آزمون ورودی دانشگاه ها ، امیدواریم در آزمون های زندگی نیز سربلند و موفق باشید.

اینجا زنگان است ، قلب آذربایجان. سرزمینی که :

قهرمان پرور بوده و است و خواهد بود. آذربایجان سرزمین اولین هاست ، تقریباً در همه رشته ها اولین ابتکارات. اختراعات در سطح ایران و خاورمیانه و حتی جهان متعلق به آذربایجان است و مردمان این دیار همواره با این افتخارات و با گذشته و تاریخ طلایی خویش با چشم باز و آگاهانه به آینده می نگرند و همواره در صدد حاکمیت عدل و عدالت می کوشند آذربایجان سرزمین کوراوغوها ، بابک ها ، ستارخان و باقرخان ها ، شیخ محمد خیابانی ها ، شهریارها، علامه جعفری ها، باکری ها و... می باشد.

لیست بزرگان آذربایجان فقط با ذکر نام یک کار بسیار وسیعی است که در این مختصر نمی گنجد ولی از حیث نشان دادن تمدن و سابقه درخشان تاریخی یا دآوری این چند نکته ضروری می نمود. اکنون نیز تمام عظمت و افتخار ایران از آن آذربایجانیان است ، تورک های قهرمان ساکنان هفت هزار ساله این سرزمین تنها به یک پرسش خود جواب می خواهند و آن این است چرا نباید ملت آذربایجان بتواند به زبان مادری خویش بخواند و بنویسد؟ آیا این تقاضای بزرگی است؟ حق داشتن هویت حق طبیعی و ذاتی بشر می باشد گذشته از این ها غنا و قدرت زبان تورکی است که از طرف یونسکو به عنوان سومین زبان با قاعده دنیا معرفی گشته و ایران به عنوان دومین کشور تورک زبانان دنیا می باشد ضرورت رسمیت این زبان را آشکار می سازد و ما در این شماره سعی خواهیم کرد به ضرورت و اهمیت آموزش زبان مادری بپردازیم.

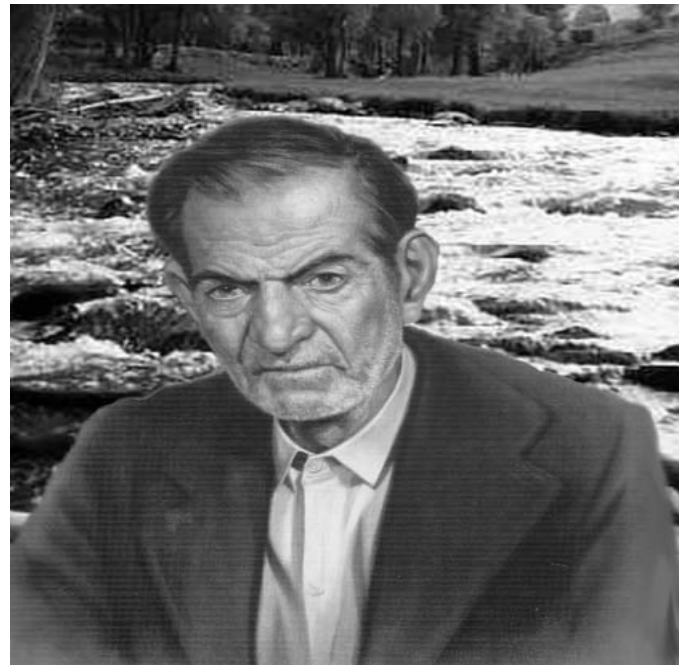
جمعیت اسلامی دانشجویان به عنوان تشکلی که در زمینه حقوق بشر و حقوق ملل فعالیت دارد با ارائه مطالب متنوع از حقوق همه ملل ایران اعم از تورک ، کرد ، لر ، عرب ترکمن و بلوچ و... دفاع خواهد کرد و در صدد استیفای حقوق تضییع شده آنان بر خواهد آمد. امیدواریم شما نیز با ما باشید.

گله جگ بیزیمدیر

آنچه در این شماره خواهید خواند:

- زبان مادری چیست و چرا اهمیت دارد؟ (۲)
- چه کسی مسؤل است؟ (۴)
- نقش زبان مادری در درک ریاضیات (۵)
- زبان مهمترین ابزار فرهنگ بشری (۵)
- شوونیسم (۷)
- ترکی هنر است (۸)
- اویان آذربایجان! (۸)

\*\*\*\*\*



تورکون دیلی تک سؤگیلی ایستکلی دیل اولماز

اؤزگه دیله قاتسان بو اصیل دیل اصیل اولماز

## زبان مادری چیست و چرا اهمیت دارد؟

خانواده و خلقت تقویت مینماید و در عین حال وی را از مسئولیتهایی که در قبال جامعه اش دارد آگاه میسازد. احساس هویتی را که کودک در آغوش خانواده اش کرده بود و نیز پیوند او را به خانواده و خلقت تقویت مینماید و در عین حال وی را از مسئولیتهایی که در قبال جامعه اش دارد آگاه میسازد. در اینجا نخست تأثیرات روحی و شخصیتی شرائطی را بررسی میکنیم که کودک به زبان مادری خود تحصیل می کند: گرچه متأسفانه این شرایط برای ما آشنا نیست، اما آن چیز است که ما پیوسته در آرزو و حسرت آن بسر برده ایم. نخستن باری که کودک پا به مدرسه میگذارد، از آنجائیکه نخستین جدائیش از میان خانواده و نزدیکانش نیز میباشد، احساسات غریب و شگفت انگیزی احاطه اش میکند. نخستین بار در یک محیط رسمی وارد می شود که در آنجا کسی را نمی شناسد. کودک با چنین احساساتی وارد کلاس میشود، سپس معلم نیز وارد شده به سخن گفتن آغاز میکند. معلم جایگاه بسیار ارجمندی دارد. کودک هم از وی می ترسد و هم احترامش می گذارد. هرچند کودک در گیرودار اینهمه احساس تنهایی و بیگانگی، خانواده و نزدیکانش را در کنار خود ندارد اما او آنچنان نیروی حمایتگری با خود دارد که وی را در ایجاد رابطه با دیگران یاری میرساند و در این محیط شگفت و بیگانه گرما و نیرو می بخشد. **این نیروی حمایت گر و نجاتبخش " زبان مادری" اوست که در اختیار دارد.** بیاری زبان مادری با دیگران و حتی با انسانهای نا آشنا ایجاد رابطه می کند. معلم را نمی شناسد اما زبانی را که او صحبت میکند بخوبی می فهمد و در سایه این زبانست که او احساس میکند معلم نیز یکی از افراد ملتش میباشد. دروسی را که معلم می آموزد، چون به زبان مادریش میباشد می تواند بخوبی بفهمد. از آنجائیکه زبان گوینده بهمان زبانست که وی بخوبی درک و احساس می کند، به سرعت قادر می شود به سئوالهای معلم جواب دهد، و این بنوبه خود به کودک حضور ذهن و آرامش روحی می بخشد و راه خلاقیت را برویش می گشاید. کودک صاحب آنچنان توان و امکانست که گفته های معلم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده سئوالات جدیدی را طرح نماید و بهمین جهت نیز نیروی تحقیق و بررسی، پرس و جو و خلاقیتش به مرحله رشد و شکوفائی می رسد. بعلت اینکه تدریس به زبان مادریش جریان پیدا می کند، در وجود کودک نبر اعتماد بخود، به خانواده و جامعه ای که به آن تعلق دارد هرچه بیشتر و مستحکمر گشته، هویتش بطور کامل شکل می گیرد.

اکنون ببینیم اگر تحصیل به زبان مادری نباشد چه پیش خواهد آمد؟

اولاً چرا نباید تحصیل بزبان مادری باشد؟

در هر جامعه ای که انسانها از تعلیم و تربیت به زبان مادری خود محرومند، معنی اش حاکمیت ظلم و استبداد سیاسی و اجتماعی در آنجا میباشد. بی عدالتی وجود دارد زیرا در آنجا زبانی بر دیگر زبانها و یک گروه انسانی بر دیگر گروههای انسانی در موضعی برتر و حاکم قرار دارد. این به معنی آنست

زبان مادری زبانست که از مادر، پدر و نزدیکانمان آموخته ایم. بنا به نظر پژوهشگران کودک در رحم مادرش با زبان مادریش آشنا میشود و هنگام بدنیا آمدن که گریستن آغاز میکند اگر به زبان مادریش با وی سخن گفته شود، گریه اش را قطع کرده گوش میدهد. کودک با گذشت زمان و شنیدن مکرر، زبان مادریش را آموخته آغاز به ادای آن میکند. کم کم با ساختن جملات کوتاه آغاز به سخن گفتن به زبان مادریش میکند. در طول زمان کوتاهی می آموزد تا به زبان مادریش احساسات و خواسته هایش را به اطرافیان خود تفهیم نماید. با زبان مادریش با دیگران رابطه برقرار کند. با همین زبان بازی میکند، می خندد، می گرید و وارد مشاجره و بگو مگو می شود. تنها و تنها با زبان مادریش است که قادر می شود دنیای پیرامون خود را بشناسد و بیان نماید. با سخن گفتن به زبان مادری از فردیت و تنهایی خویش خارج گشته از تعلق خود به گروه ویژه ای آگاه میشود. او با مهر و محبت، اعتماد و امنیتی که این تعلق به وی ارزانی داشته است زندگی میکند. اگر بخواهم یک توضیح علمی بدهم، خواهم گفت که سخن گفتن خود تفکری آهنگین (مضوت) است. ما هنگام تفکر خاموشانه با خود سخن می گوئیم. و آنگاه که لب به سخن می گشائیم، در حقیقت با صدا می اندیشیم. هنگامیکه ما به زبان مادری سخن می گوئیم، بین ذهن و دهان (زبان) رابطه ای مستقیم برقرار می شود. در اینجا می خواهم مسئله را قدری بیشتر باز کرده بگویم، زمانیکه ما بزبان مادریمان سخن می گوئیم در حقیقت بین قلب و ذهن و دهانمان (زبانمان) رابطه ای تنگاتنگ برقرار میشود. زیرا این سخنان لحظات زندگی و تجارب گذشته مان را تداعی کرده در ذهن و روانمان زنده میکند، با هر واژه ای احساسهای عمیقی را زندگی میکنیم، خرسند میشویم، ناخشنود می گردیم، حسرت می خوریم و انتظار میکشیم. با زنده شدن جملاتی که در ذهنمان شکل گرفته اند، مکنونات دلمان جان گرفته، از طریق دهان و زبان تمامی احساسات و اندیشه های خود را بیان و بدیگران تفهیم میکنیم. درست بهمین جهت هنگامیکه ما بزبان مادریمان سخن می گوئیم، مکانیزم سه گانه ای بین دهان و قلب و ذهنمان نظم و شکل میگیرد که با طبیعت انسانی سازگاری کامل و تمام دارد. لذا زبان مادری همچون کلیدیست که دنیای درونی مانرا گشوده به نمایش میگذارد. حجب و حیا، عیب و هنر و تمامی مکنونات درونی مان تنها و تنها زمانی آشکار می گردد که ما به زبان مادریمان سخن می گوئیم. کودک در پنجسال اول زندگیش ۸۰٪ کل معلوماتی را که در تمام طول زندگیش باید بیاموزد، در خانواده اش کسب میکند و در سالگی نیز سن مدرسه رفتنش فرا می رسد. در این مرحله دو وضعیت مختلف پیش می آید:

۱- کودک در مدرسه بزبان مادریش تحصیل خواهد کرد.

۲- کودک به زبانی کاملاً بیگانه با زبان مادریش تحصیل خواهد کرد. مدرسه در شکل گیری شخصیت کودک نقش بسیار بزرگی دارد، زیرا مدرسه همانند پلی است بین خانواده و جامعه بزرگ، که آموخته های کودک در آغوش خانواده اش را کامل تر و علمی تر میکند و با پرورش جسم و روحش، وی را جهت کار و زندگی در جامعه آماده میکند. احساس هویتی را که کودک در آغوش خانواده اش کرده بود و نیز پیوند او را به

نمی تواند بفهمد. گفته های معلم را نه میتواند بررسی کند، نه میتواند سئوالی طرح کند و نه میتواند درک کند. اگر هم چیزی بفهمد نمیتواند به زبان بیاورد و برای دیگران توضیح دهد. زیرا زبان فهم و بیانش جدا شده است. در زبان مادریش می فهمد اما نمی تواند بسیاری از کودکان بعلت محرومیت از تحصیل بزبان مادری، اعتماد بنفس خود را از دست داده از همان ابتداء از رفتن به مدرسه امتناع می ورزند. بهمین جهت نیز درصد بیسوادی در اینگونه جوامع بسیار بالاتر از جوامعی است که در آن کودکان بزبان مادری خود تحصیل می کنند. از آنجائیکه کودکان زبان معلم را نمی دانند، قادرند فقط بخش اندکی از دروس را بفهمند. و این باعث میشود که اینگونه کودکان بتدریج اعتماد بنفس خود را از دست بدهند. از آنجائیکه اینگونه کودکان اعتماد خودشان را به خود، خانواده و جامعه و ملتی که بدان منسوبند از دست می دهند، ناگزیر در پی کسب هویت دیگری خواهند بود از آنجائیکه زبان فهم کودکان با زبان بیان آنان بیگانه است، قادر نخواهند بود شنیده ها و آموخته های خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. زیر سئوال ببرند، تحقیق و بررسی کنند. در نتیجه صرفاً به یک مقلد و تکرار کننده طوطی وار محفوظات تبدیل خواهند شد.

**اگر خلاصه و روشن بگوئیم: فرزندان چنین خلقی نسبت به فرهنگ، اندیشمندان، زبان، تاریخ و تمامی گذشته خود بیگانه گشته. بر اساس نقشه ای که برایش ریخته اند، به نسلی آماده به پذیرفتن بردگی تبدیل خواهند شد. زیرا یک نسل تنها زمانی به برده تبدیل خواهد شد که از زبان مادریش و از فرهنگ و تاریخش جدا افتاده باشد.**

. همانند نسلی که از زبان مادریش محروم گشته است، خود این زبان نیز قربانی بزرگی بود. زیرا این زبان نتوانست رشد و انکشاف پیدا کند و به زبان علمی تبدیل گردد.

که در آن جامعه استثمار انسانهای غیر حاکم و محو شدنشان از صحنه تاریخ از پیش طرح ریزی گشته است.

### برای نابودی انسانها سه راه عمده وجود دارد:

۱- نابود کردن فیزیکی نسل دیگران توسط یک بمب اتمی که در مملکت ما غیر ممکن است. زیرا غیر فارسها در تمامی پهنه ایران و در تمامی گوشه و کنار آن پراکنده شده اند.

### ۲- عنوان کردن فرضیه خون پاک و ژن خالص!

این فرضیه در مملکت ما طرح و تجربه شد، اما اکنون اعتبار خود را از دست داده است. زیرا در نتیجه مهاجرتهای مداومی که طی قرون و اعصار متمادی صورت گرفته است، چیزی بنام ژن خالص نمانده است و اگر هم مانده باشد آنها ژنهای ناقصی هستند زیرا متخصصین و صاحب نظران ژن شناسی ثابت کرده اند که درجه هوش و استعداد صاحبان ژنهای خالص بسیار پائین بوده، در مقابل بیماریهای گوناگون نیز مقاومت بسیار ضعیفی دارند.

### ۳- از طریق نابود کردن ژن های مدنی و فرهنگی.

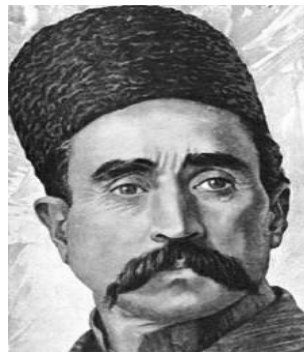
#### ژن های فرهنگی چیست؟

ژن مدنی، فرهنگ و مجموعه تمدنی است که از نسلهای گذشته به عنوان میراثی گرانبها بما رسیده، و این آن چیز است که سیاستگران ایران آماج حملات خود قرار داده و نابودی آنها در دستور کار خود داشته و دارند.

برای نابودی ملتهای غیر فارس در ایران می خواهند از طریق غیر قانونی و قدغن کردن زبانشان در حقیقت فرهنگ، تاریخ و هویت آنها را نابود کنند و به بردگان و انسانهای درجه ۲ تبدیل نمایند. و در نهایت نامشان را از صفحه تاریخ پاک کنند. زیرا **تنها و تنها آن خلقی چنان آسان خواهد مرد و نامش از تاریخ زوده خواهد شد که زبان مادریش را فراموش کرده باشد.**

در حقیقت از اولین روز گشایش مدارس تک زبانی، کوشش برای نیل به این هدف، یعنی نابودی ملتهای غیر فارس در ایران آغاز گردیده و ادامه دارد. کودک نخستین روز پا به مدرسه می گذارد. معلم وارد شده سر سخن را باز میکند. کودک چیزی از گفتار معلم نمی فهمد زیرا زبان او را نمی داند. کودک گرفتار شرائط و فضای تلخ و ناگواری می باشد! زبانی که از مادر و پدرش آموخته و بدان افتخار می کرد، در اینجا بکار نمی آید و ارزشی ندارد. **به او گفته بودند برای آدم درست و حسابی شدن به مدرسه برو! اما برای آدم شدن زبان او بدره نمی خورد و بزبان بیگانه ای باید سخن گفت. برای آدم شدن باید فارس شد. این یعنی چه؟! فارسی نشده ها جزو آدمها بشمار نمی روند!**

بدین ترتیب کلیه کسانی که بزبان مادریش با او صحبت می کنند، در ذهن او از اعتبار و اعتماد می افتند. اینگونه تفکرات تلخ هر روز و هر ساعت بر روح و روانش ضربه وارد میکند و بدین وسیله نیز هر روز و هر ساعت اعتمادی که به خانواده، زبان و فرهنگش داشت در وجودش می میمرد. کودک هر روز تحقیر می شود و پس از زمانی نه چندان دراز هویتی که از خانواده گرفته بود نابود می شود و بتدریج اعتماد و پیوندی نیز که به جامعه و ملتش داشت گسسته از بین می رود. کودک چون زبان معلمش را نمی داند، بخش عمده آموزشهای او را نیز



مولانا



نظامی

## چه کسی مسئول است؟

۱- اگر ما زبان فارسی را در ایران ممنوع کنیم، و آن را از ارکان هویت ملی حذف کنیم، آیا میتوانیم این جامعه را به طور موثر اداره کنیم؟

۲- اگر ما زبان و فرهنگ فارسی را «خرده فرهنگ» بنامیم و با استفاده از درآمد نفت صرفاً در جهت اعتلای زبان ترکی به بهای نابودی زبان فارسی همت بگماریم، آیا میتوانیم خود را متولی این کشور بدانیم؟

۳- اگر مسئولین ما ادعا کنند که زبان ترکی رمز هویت ملی همه ایرانیان است، آیا ظرفیت نفوذ معنوی بر نسلهای کنونی و آینده این کشور را خواهند داشت؟

۴- اگر مسئولین ما اعلام کنند که همبستگی ما ایرانیان صرفاً از مجرای عشق به زبان ترکی میگذرد، آیا به همبستگی ما کمک کرده‌اند یا تیشه بر ریشه آن زده‌اند؟

۵- اگر ما کشور ایران را برای فارسی زبان‌ها به نوعی «غربت فرهنگی» تبدیل کنیم، آیا فارسی زبانان ما برای تغذیه فرهنگی خود به افغانستان یا تاجیکستان یا سایر کشورهای فارسی زبان امید نمی‌بندند و از زبان فارسی برای خود مذهب و ایدئولوژی نمی‌سازند؟

۶- اگر فرهنگستان ایران با استفاده از بودجه دولتی، تمام هم خود را صرفاً وقف زبان ترکی کند، آیا در بین مردم ما مشروعیت خواهد داشت؟

۷- اگر نظام آموزشی ما صرفاً بر اساس زبان ترکی اداره شود و حتی تکلم به زبان فارسی در مدارس ممنوع باشد، آیا این نظام آموزشی کارآمد خواهد بود؟

۸- اگر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تمام انتشارات خود را صرفاً بر اساس زبان ترکی انجام دهد، آیا میتواند به هدفهای خود که ارتقای فرهنگ عمومی در بین نوجوانان است، نایل شود؟

مجموعه این حالات فرضی، که منتهی از خروار است، اگر تحقق یافته بود، آیا سیاست فرهنگی کشور را چه میزان «بیمار» تلقی میکردیم؟ من بدون تعارف اجازه می‌خواهم یادآوری کنم که هم اکنون سیاست فرهنگی کشور ما، نه کمتر و نه بیشتر، بلکه درست به همان میزان بیمار است. اینجانب هم که یک نویسنده آذربایجانی و یکی از فعالین در زمینه زبان و ادبیات ترکی هستم، اگر همه چیز این مملکت بر اساس ترک‌محوری تعریف و تنظیم میشد، درست به اندازه همه ایرانیان با آن مخالفت میکردم، و سیاست فرهنگی کشور را «کاملاً» بیمار ارزیابی میکردم و برای هدایت آن به مجرای صحیح و بها دادن به همه زبان‌های کشور و برابری آنها و تقویت حس برادری و برابری کوشش میکردم.

من فکر میکنم که آسیب‌شناسی مسأله را، دست کم از منظر خودم، به طور موثر بیان کردم. من از آن رو این مطلب را نوشتم و با خوانندگان درد دل کردم که کشورمان امروزه به وحدت نیازمند است، و درک ما از وحدت، تاکنون متأسفانه بر این محور بوده است که «همه هویت مرا تأیید کنید و هویت خود را انکار کنید، تا وحدت حاصل شود». میدانیم که این

**فرمول، فرمول وحدت نیست، فرمول تشتت است و ما را به ناکجا آباد خواهد می برد. باید جسورانه با حقیقت روبرو شد و این مشکل بنیادین جامعه ما را حل نمود.**

یک مقاله اهانت آمیز به خودی خود چندان مهم نیست، مهم وجود تربیت اجتماعی معیوبی است که در چهارچوب آن، نشر چنان مقاله‌ای ممکن شده است. این تربیت معیوب تا بدانجا شخصیت ما را فاسد کرده است که بعضی ژورنالیستها اخیراً در دفاع از روزنامه ایران و مقاله موهن آن گفتند: «این نوع اشتباهات در کار مطبوعاتی، به علت

یادآوری حوادثی که اخیراً در سرزمین مادری من آذربایجان روی داد، از مناظر مختلف نیاز به تحلیل دارد که پرداختن به آن هم مفید و هم ضروری است. مثلی هست که میگوید «حقیقت، برعکس دروغ، به خودی خود زیباست و نیازی به سفیداب و سرخاب ندارد». از اینرو کاستن از تعارفات و ریشه‌یابی صادقانه مشکلات بلافاصله ضروریست.

در حوادث اخیر یکی از اساسی‌ترین مشکلات فرهنگی و اجتماعی کشورمان مورد آزمایش قرار گرفت که به علت حساس بودن مسأله، سالهاست از طرف نویسندگان و فعالین فرهنگی آذربایجانی در رسانه‌ها مورد تأکید قرار میگیرد و یا به صورت نامه سرکشاده به مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران یادآوری میشود. اگر به این تذکرات دلسوزانه، به موقع توجه میشد، شاید اصلاً تشنجی هم بروز نمیکرد و بعضی حرکات نسنجیده، ولو نادر، هم که نه مورد تأیید مقامات دولتی است و نه مورد تأیید ماست، به وقوع نمی‌پیوست. تجربه نشان میدهد که ما در طول سالیان گذشته صرفاً با سرپوش گذاشتن بر مسأله و یا نادیده گرفتن آن، تصور حل آن را کرده‌ایم و به این ترتیب ناخواسته به تعمیق بحران کمک کرده‌ایم و امروز هم برای فرار از مسئولیت فریاد می‌زنیم که گویا دست بیگانه در کار بوده است.

من میگویم که دست بیگانه همیشه پیدا میشود، حتی اگر بخواهیم در روز عاشورا برای سیدالشهداء مراسم عزاداری برگزار کنیم. این مداخله دست بیگانه را، ولو به صورت نادر و حاشیه‌ای، نمیتوان کلید حل معما به طور مطلق دانست و از مسئولیت شانه خالی کرد. دقت کنیم که اگر بیگانگان، ولو در مواردی نادر، توانسته باشند بعضی از جوانان ما را بفریبند و آنها را در جهت منافع خودشان به حرکت دریاورند، باز هم من و شما مسئول و مقصریم و از قضا مقصر اصلی هم هستیم. دقت کنیم که اگر چنین چیزی اتفاق افتاده باشد، صرفاً بدان معنی است که ما نفوذ معنوی کافی در جوانان خود نداشته‌ایم و به نیازهای معنوی و فرهنگی آنان به طور موثر پاسخ نداده‌ایم. کافی است لحظه‌ای ببیندیشیم که چرا همین «بیگانگان» قادر نیستند جوانان فارس ما را با انگیزه مسائل زبانی و قومی بفریبند. پاسخ آسان تر از آن است که نیاز به پرخاش یا مشاجره داشته باشد، جوانان فارس ما هر کمبودی هم که در این مملکت داشته باشند، از لحاظ زبان مادریشان عقده‌ای ندارند و شیفته تلقینات بیگانگان در این خصوص نمیشوند. هیچ کس نمیتواند در آنها جاذبه‌ای به سوی افغانستان یا تاجیکستان، به منظور برخورداری از خزائن فرهنگ فارسی آنها ایجاد کند. این جاذبه حتی به صورت وارونه وجود دارد، یعنی ما ظرفیت آن را داریم که از لحاظ ارضای نیازهای معنوی جوانان افغانستانی و تاجیکستانی از دیدگاه زبان و فرهنگ فارسی، آنها را به سوی خودمان جذب کنیم.

این مقدمه را داشته باشید، تا شما را از وجود یک نوع بیماری در سیاست فرهنگی کشورمان آگاه کنم. زبان ترکی و فارسی در ایران از لحاظ کمی و کیفی و بر اساس کثرت متکلمین به آن و سابقه ادبیات پیش و بعد از اسلام در موقعیت‌های مشابهی قرار دارند، و نمیتوان یکی از آنها را با زبانهای قبیل‌های با متکلمین چند ده‌هزار نفری مقایسه کرد. هر چند بعضیها حتی به خود اجازه داده و زبان و فرهنگ ترکی را اخیراً در ردیف «خرده فرهنگ» معرفی نموده‌اند، اما حقیقت همان است که ایران دومین کشور ترک‌زبان دنیاست، و در گذشته هم همواره نخستین کشور ترک زبان دنیا (به لحاظ هویت اکثریت ساکنین آن) بوده است. در چنین کشوری کالبد شکافی مسأله فرهنگی از مجرای پاسخ به چند سوال زیر میگذرد:

## زبان مهمترین ابزار فرهنگ بشری

### (واحد قارباغلی)

آنچه که هر جامعه را از جوامع دیگر تمییز می‌دهد، خصوصیات است که شناسنامه‌ی فرهنگی آن جامعه به حساب می‌آید.

تاریخ و گذشته تاریخی، وطن و سرزمین نیاکان، باورها، زبان، عقاید، دین و اسطوره‌های مذهبی، حماسه‌ها، هنر و ادبیات کهن، نژاد و قومیت و سنن قومی عناصری هستند که «هویت فرهنگی» هر جامعه را می‌سازند. (۱)

آنتا دیوپ انسان‌شناس، آفریقایی در مقاله‌ای در باره هویت فرهنگی هر فرد می‌نویسد: هویت فرهنگی هر جامعه به سیه عامل بستگی دارد: تاریخ، زبان و روان‌شناختی. اهمیت عوامل فوق در موقعیت‌های تاریخی و اجتماعی مختلف یکسان نیست. هر گاه این عوامل به طور کلی در یک ملت یا فرد وجود نداشته باشد، هویت فرهنگی ناقص می‌شود. تلفیق موزون این عوامل یک وضعیت ایده آل است. هر گاه یکی از این عوامل تحت تاثیر قرار گیرد، شخصیت فرهنگی جمعی یا فردی تغییر می‌کند. این تغییرات ممکن است تا آن جا ادامه یابد که موجب یک «بحران هویتی» شود (۲)

زبان نیز یکی از مهمترین ابزار فرهنگ هر ملت می‌باشد. همانا زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت دست‌آوردهای بشری در هزاران سال زندگی خود بر روی کره‌ی خاکی و در واقع در بچه‌هایی متفاوت زبانی، نگرش متفاوت آنها به هستی است. تک تک آنها گنجینه‌های ارزشمندی هستند که مستحق محافظت و شکوفایی می‌باشد، خداوند متعال در کتاب آسمانی ما مسلمانان چندین مرتبه به اهمیت «گونا گونی» زبانها و «تعداد اقوام» اشاره نموده و عظمت آن را همسان با خلقت زمین و آسمان نامیده و همه اینها را نشانه‌ای برای دانشمندان می‌داند هر چند که در پستگاه عظمتش تنها عامل برتری و تمایز پرهیز کاری و تقواست.

همانا زبان نخستین وسیله ارتباطی بین انسانها و رایج‌ترین و کارآمدترین آن در طول قرون متمادی در میان طوایف، اقوام و ملل جهان بوده است. در دنیای امروز زبان دیگر مثل گذشته تنها وسیله ارتباطی ساده بین انسانها نیست، بلکه زبان نشانه هویت و مهمترین عامل در شناسایی موجودیت و مشخصه یک ملت زنده و پویا است. زبان وسیله‌ای است که انسان توسط آن کاخ فرهنگ و مدنیت خویش را بر پا می‌سازد و اندیشه و عقیده و ایمان را استحکام می‌بخشد. از این روست که دانشمندان گاهی از زبان به عنوان کلید شبکه‌های ارتباطی و گاهی نیز سرمایه فرهنگی یاد می‌کنند. بنابر قولی مشهور از کادامر وجه اساسی بودن انسان در جهان زبان است. که افراد با تسلط بر آن می‌توانند علاوه بر برقراری روابط اجتماعی نوعی هویت ویژه کسب می‌کنند.

ویتگنشتاین یکی از فیلسوفان جهان معاصر جمله‌ای دارد که تعریف زبان را به مراتب روشن تر از همگان ارائه می‌دهد او در جمله‌ای کوتاه به اندیشه‌ای بسیار بزرگ می‌پردازد: «زبان من جهان من است و جهان من زبان من» تاملی مختصر در این جمله اندیشمندانه معانی بلندی از رابطه ذهن و زبان فراهم می‌آورد.

از اینرو هویت فرد چه در سطح قومی و در سطح ملی تا حدود زیادی بستگی به زبانی دارد که او فرا می‌گیرد. وقتیکه از حفظ، تقویت و توسعه فرهنگ یک جامعه سخن به میان می‌آید، زبان به عنوان یک عامل اساسی مطرح می‌شود، چرا که زبان در حکم رشته‌ای است که فرهنگ گذشته و حال را به هم پیوند می‌دهد. زبان پدیده بیرونی نیست. انسان با زبانش زاده میشود در زبانش سیر می‌کند. در حریم زبانی خود تنفس می‌کند، رشد می‌کند و می‌میرد. زبان هر ملت به مثابه ظرف حضور آن ملت در کره‌ی خاکی است یعنی اینکه برای شناخت ملتی باید زبان او را شناخت. شاید آوردن ضرب المثل معروف فرانسوی که می‌گوید: «هر کس زبان مادری خود را نداند یک وحشی است.» در اینجا بیجا نباشد.

سرعت و استرس همیشه پیش می‌آید». همچنین از قول ژورنال‌یست دیگری خواندم که گوید: «طراح آن کاریکاتور صرفاً یک هموطن بدله‌گو بوده است». پرسیدنی است که چرا تاکنون در اثر «سرعت و استرس کار مطبوعاتی» توهین مشابهی به قوم فارس نشده است؟ و پرسیدنی است که اگر «سرعت و استرس مطبوعاتی» مسبب این نوع توهینهاست، پس لابد باید در آینده انتظار داشته باشیم که، خدای نکرده، بر اولیا و انبیا و برگزیدگان الهی هم اسائه ادب شود. آیا در آن حالت نیز خواهید گفت که «این نوع اشتباهات در کار ژورنالیستی طبیعی است»؟

هرگز برای ایجاد کینه و نفرت دیر نیست، اما فرصت برای حل مسأله و تحکیم برادری و تثبیت وحدت، بسیار گذرا است و برخلاف تصور، نامحدود نیست. عدم جسارت ما در حل منطقی مسأله زبان‌های ایران لطمات جبران ناپذیری بر پیکره فرهنگ و اقتصاد این کشور زده است و سرمایه معنوی بزرگی را به زنجیر کشیده است. این سرمایه معنوی بزرگ را به نفع اعتلای کشورمان آزاد کنیم و نیروی خود را چند برابر کنیم.

اریش فروم روانشناس و متفکر آلمانی- آمریکائی گفته است: تنها کسی که به خود ایمان داشته باشد، میتواند به دیگران هم ایمان داشته باشد. اعتلای ایمان به کشور و فرهنگ آن، از طریق محو خودباوری اقوام امکان پذیر نیست. اگر فرهنگ اقوام خود را نابود کنیم، با این امید که فرهنگ فارسی اعتلا پیدا کند، در آینده با نسلی مواجه خواهیم بود که نه به فرهنگ ترکی ایمان دارد و نه به فرهنگ فارسی و در این صورت

تیشه بر ریشه هر دو زده‌ایم. **انسجام ملی از مجرای**

**خودباوری اقوام میگذرد نه از طریق یکسان سازی**

**صوری آنها.** ما همواره اندیشیده‌ایم که اگر اقوام ما به فرهنگ خود ایمان نداشته باشند، امنیت برقرار میشود. اما حقیقت آن است که «مخوف‌ترین بی‌ایمانی، بی‌ایمانی به خود است». این را من نگفته‌ام، بلکه توماس کارلایل متفکر اسکاتلندی گفته است. ما اگر انسانهای خود را از نعمت خودباوری محروم کنیم، ظرفیت مادی و معنوی آنها را تحلیل برده‌ایم و با وضعیتی روبرو خواهیم شد که امروزه هم کم و بیش روبرو هستیم، به طوری که «غربیها به دست انسانهای کوچک کارهای بزرگ انجام میدهند، اما ما به دست آدمهای بزرگ کارهای کوچک هم نمیتوانیم انجام دهیم.»

- ابراهیم ررف، تهران ۱۵/۳/۸۵ -

## نقش زبان مادری در درک ریاضیات

بر اساس مطالعات جدید زبان مادری تاثیر مستقیم و تعیین کننده ای بر توانایی بشر در حل مسایل ریاضی دارد.

عکس برداری ها و نمونه برداری هایی که از مغز افراد به عمل آمده نشان می دهد که مثلا چینی زبان ها توانایی بیشتری از انگلیسی زبان ها در تجسم اعداد و عملیات ذهنی در زمان انجام محاسبات ریاضی دارند. این تحقیقات نشان می دهند زبان مادری بر راه حلی هایی که افراد برای حل مسایل ریاضی انتخاب می کنند تاثیر می گذارد.

این یافته ها میتواند به مدرسین ریاضی کمک کند تا بهترین روش را برای آموزش ریاضیات به دانش آموزان در میان فرهنگهای مختلف شناسایی کنند. کمپانی های تکنولوژی در آمریکا به تازگی دریافته اند که دانش آموزان کشورشان از دانش آموزان چینی و ژاپنی در مهارت های محاسباتی کندتر عمل می کنند و این مساله به شدت آنها را نگران کرده است.

استفاده از وسایلی نظیر چرتکه در بسیاری از کشورهای آسیایی دانش آموزان را تشویق می کند تا بتوانند اعداد را به راحتی در مغز خود تجسم نمایند و از اینرو محاسبات ریاضی را با سرعت عمل بیشتری انجام دهند.

کارشناسان معتقدند که این مطالعات دلایل و پی آمدهای تفاوت چگونگی انجام محاسبات ریاضی مغز افراد در فرهنگهای مختلف دنیا را شناسایی کرده و دانشمندان را به این فکر انداخته تا به دنبال راهکارهایی برای بکارگیری از قدرت تصویری و تجسمی مغز در آموزش علوم مختلف باشند.



همانا(linguicide) دشمنی با یک زبان ، بی‌توجهی یا سعی در نابود کردن آن چه عمداً و چه سهواً " زبان کشی محسوب می‌شود. که همانا زبان کشی یکی از ابزارهای قوم کشی (ethnocide) ویا به عبارتی فرهنگ زدایی از مردم به شمار می‌رود. نابود کردن آن در حقیقت تلاش برای از بین بردن نشانه‌های خداوندی و عصیان در مقابل اراده خداوند است .

علاوه بر مطالب گفته شده بی توجهی و یا ایجاد محدودیت زبانی اثرات سؤ پیشماری در پی دارد از جمله: ترک تحصیلی، افت شدید درسی، شکست در امتحانات تعیین‌کننده مثل کنکور، عدم تکمیل نظام فکری و شخصیتی فرد، کاهش خلاقیت، ضعف بیان، جدایی عاطفی از مادر و خانواده، بحران عاطفی و عملاً، حذف تدریجی از سطوح ممتاز جامعه و...

وجود اصول مترقی ۱۹ و ۱۵ قانون اساسی که تاکید بر "حقوق مساوی" اقوام مختلف ایرانی و همچنین " استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس " می‌نماید و نشان از دوراندیشی تدوین‌گران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد.

اینک با سپری شدن ۲۷ سال از انقلاب اسلامی و در طول همه این سالها کتابهای متعدد، مطبوعات محلی، نشریات دانشجویی بی‌شمار در دانشگاههای سراسر کشور به زبانهای اقوام ایرانی منتشر می‌شوند که خود نشانگر اعتقاد مسئولین نظام به فضای متکثر فرهنگی بوده و خط بطلانی بر سیاستهای شؤنیستی فارس گرایان کشیده است. اما غفلت در مورد ایرانیان تورک زبانی که حدود بیش از ۳۰ میلیون از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و خواستار آموزش مدرسه‌ای و دانشگاهی زبان و ادبیات غنی تورکی آذربایجانی هستند. می‌تواند چالش‌هایی را در این برهه زمانی حساس برای نظام بیافریند که در فضای کنونی که استکبار جهانی نقشه‌های پلیدی در سر می‌پرورد هرگز به صلاح نیست .

منابع :

- ۱-زمینه فرهنگ شناسی - دکتر محمد روح الامینی ص ۱۱۱
- ۲-پیام یونسکو(unesco)- شهرپور و مهر- (۳۶)
- ۳-از کتاب : فرهنگ و نژاد پرستی، اثر هیلون دیوپ، فرانتس فانون، امه سهرز
- ۴-خودآگاهی- استعمار-دکتر علی شریعتی-ص ۳۱-۳۲ - و با استفاده از سرمقاله: روز جهانی زبان مادری، ۲ اسفند ۸۴

بنابر این امروزه سازمان‌های علمی و فرهنگی دنیا سعی در بررسی و محافظت از زبانهای متفاوت و حتی مواظبت از زبانهای قلیل‌المتکلم در حال نابودی دارند .

چند سالی می‌شود که جهان روز - ۲۱ فوریه اول اسفند شمسی - را در حالی سپری می‌کند که یونسکو(unesco) بزرگترین نهاد فرهنگی دنیای معاصر ان را روز جهانی زبان مادری نام نهاده است. درک هوشمندانه طراحان این روز در سال پایانی هزاره دوم(۱۹۹۹) و آغاز هزاره سوم- هزاره‌ای که جهان با عزمی تمام به سوی "دهکده" شدن می‌تابد و نظریه‌ای که مارشال لوهان در اواسط دهه ۹۰ بدان پرداخته بود جامه عمل می‌پوشد - بیانگر اهمیت فوق‌العاده زبانهای متعدد و اقوام متنوع ساکن در این دهکده بی‌کران است.

امه سه رز شاعر سیاهپوست می‌گوید: "هر فرهنگی برای اینکه شکفته شود. نیاز به چارچوبی دارد و به ساختمانی که زبان را می‌توان در این چهارچوب قرارداد".

زبان را روانشناسان منجمد گفته‌اند که با رشد جامعه بسوی تکامل می‌رود و چون در بعضی جوامع ( مانند ایران) زبانهای بومی از آنجا که دیگر زبان رسمی، اداری، مدرسه‌ای و زبان فکری نیست به قهقرا می‌رود، و از این رو مانع رشد آن زبان می‌شود که حتی گاه به نیستی‌اش تهدید می‌کند .

وقتی فرانسویها قبول نمی‌کردند که زبان عربی را در الجزایر و زبان ماداگاسکار زبانهای رسمی باشند و مانع از آن می‌شوند تا در شرایط دنیوی نوین این زبانها با تمام نیروی بالقوه خود را به فعل درآورند. از این راه به فرهنگ عربی و ماداگاسکاری ضربه می‌زنند(۳)

جان استوارت می‌گوید : " اگر استعمار بخواهد که ملتی را وابسته خود سازد نخست سراغ هویت و زبان آنها می‌رود. " ، اگر ملتی فرهنگ ( زبان و نژاد و...) خود را از دست بدهد و استحاله و آسیمیله شود همیشه در طول تاریخ مورد استثمار دیگر ملل و فرهنگ مهاجم قرار می‌گیرد. چرا که استثمار و استعمار اقتصادی و اجتماعی از استثمار فرهنگی آغاز میشود. استعمار گران (فرهنگی...) معمولاً در عصر جدید از حذف فیزیکی ملتی استفاده نمی‌کنند و همانا از نظریه استعماری هیتلری که می‌گوید: "بطور کلی برای معدوم و منقرض ساختن یک ملت ( با تمامی عقاید و فرهنگ مربوط اش) تنها کافی است زبان آن ملت و قوم از بین برده شود! " بهره می‌جویند .

دکتر علی شریعتی در کتاب " خودآگاهی " در باره استعمار فرهنگی چنین می‌نویسد: " استعمار گران همانا از دیالکتیک سوردل استفاده کردند ، بچه، وقتی که مادرش می‌زند، دعوا و تهدیدش می‌کند ناراحت است و برای اینکه از حمله مادر در امان بماند، به خود مادر پناه می‌برد.. این دیالکتیک سوردل است که نژاد حاکم ، برای اینکه قوم و ملت یا ادمی را به زیر مهمیز قدرت و تسلط خودش بکشد تحقیر اش می‌کند و به قدری مذهبش را ، ایمانش را ، آداب اش را، فکراش را، شخصیت‌هایش را، گذشته‌اش را همه چیز اش را تحقیر می‌کند که او برای اینکه از مسیر هایی که بوسیله آنها تحقیر می‌شود، فرار می‌کند به دامن خود او پناه می‌برد.(۴) نتیجه :

هما نظوریکه گفتیم زبان پدیده‌ای اجتماعی است با رشد جامعه به سوی تکامل متحول می‌شود و جزو پدیده‌هایی است که با انسان می‌بالد و با انسان مضمحل می‌شود، از این رو دانشمندان و جامعه‌شناسان برای مقابله به تهاجم رهنگی بیگانه تکیه بر فرهنگ خودی و تقویت ان را راه کار مقابله می‌دانند .

همانا زبانها گنجینه‌های معنویت، انسانیت هستند و نه تنها پایمال کردن زبانی ظلم به سخنگویان آن زبان است، بلکه در کل دشمنی با معنویت و فرهنگ بشری است(محسوب می‌شود).

من سؤیرم آذربایجان ائلینی،  
اؤیره نیرم اونون شیرین دیلینی،  
بو دیل اجدادیمین حیات سسی دیر،  
اودلار یوردوموزون اود نفسی دیر!  
**جمعیت اسلامی بر گزار می کند:**

کلاسهای هفتگی

— آموزش زبان تورکی (آنا دیلیم)

— کلاسهای تاریخ

مکان وزمان کلاسها متعاقبا اعلام خواهد شد.

از همه دانشجویان علاقه مند به زبان و فرهنگ و ادب دعوت می‌شود جهت ثبت نام به دفتر این شکل واقع در دانشکده علوم مراجعه نمایند.

روابط عمومی جمعیت اسلامی

# شوونیسیم

## شوونیسیم

ترجمه و تلخیص: کریم سیدی

شوونیسیم یک نوع جانبداری افراطی از گروه و دسته خودی است. بویژه این جانبداری با نگرشی تخریبی و کینه توزانه در برابر گروههای دیگر مانند ملیت، نژاد، جنسیت و دین قرار میگیرد.

شوونیسیم اغلب به عنوان افراطیون و بیشتر به مفهوم ناسیونالیسم افراطی و میهن پرستی تهاجمی است.

## ریشه لغوی

از نظر لغوی از نام نیکولاس شووین سرباز میهن پرست افراطی اشتقاق می شود که در ارتش ناپلئون بناپارت خدمت می کرد و ۱۷ بار نیز زخمی شده بود. رویاهای مفرط او در غالب فیگورهایش بنام

" نیکولاس شووین " در بازی فرانسوی " Lacocarde tricolore " (در سال ۱۸۳۱ ، پاریس) و در تعدادی از بازیهای سرودنی شکل گرفت.

## شوونیسیم دولتی

این نوع شوونیسیم در یک دولت حاکم شکل می گیرد، منتها آخرین تصمیمات و نتایج را منافع قدرت دولتی رقم می زند. شوونیسیم دولتی در برابر دولتهای دیگر گستاخانه و توسعه طلبانه رفتار می کند. مفهوم عامیانه آن بیشتر در مورد توسعه مرزهای سرزمینی است و مفهوم ملی آن پس گرفته می شود.

مرحله رادیکالی یا کوبین ها در انقلاب فرانسه نمونه نمایش توتالیتری تفکر ناسیونالیستی است که با رد پلورالیسم یا مقامها و ارگانهای اتونوم مانند کلیسا در رابطه با منافع و علائق ملت توسط طرفداران یا کوبینها بیان شد.

شوونیسیم با مرزبندی در مقابل دشمنان ( یک ملت و یا حزب) با مبالغه و تحریف، کاربرد زور و ستم را مشروعیت می بخشد. نگرش به تفاوتها و سلطه گری دولت و علائق بی شرمانه اش را بدون توجه و احترام به دیگران و با تأسیس و بنا کردن اندیشه بیولوژیکی یک نژاد، توجیه میکند.

شوونیسیم اخلاق را منحصرأ به دولت و بکار گیری آن را در نظم و سمت و سوی دولتی می داند. مراتب و چگونگی ستم فیزیکی( شکنجه، کاربرد زور و سرکوب نظامی) می تواند متغییر باشند و تمایلات اجتماعی - داروینی و نظامی برای اعمال ستم در برابر دشمن مفروض تشدید پیدا کنند.

در میان برخی ناسیونالیستهای رادیکال تعریف لیبرالی دوباره ای از ملت شکل میگیرد که در رابطه با منافع ملی می خواهند درکی واقع گرایانه کسب کنند. ناسیونالیسم رادیکال می تواند بالقوه در یک دولت حضور یابد در صورتی که دولت ملی یک پیش فرض باشد.

## پیش فرضها

ملتها اغلب به معنای "حافظه جمعی" نیز هستند که می تواند یادآور نقاط برجسته تاریخ ملی باشد. این امر به مثابه پیش فرض ناسیونالیسم رادیکال و تا حدی نیز در دولت ملی، به عنوان بحران خودآگاهی ملی مورد توجه قرار میگیرد. مانند تهدید فوق العاده از خارج، یا یک خطر برای موجودیت ملت، همانند شکست نظامی یا سیاسی که احساسات و غرور خود ارزشی را جریحه دار میکنند.

## خویشاوند شناسی

نظریه همسانی و همگروهی بیولوژیکی مربوط به جامعه شناسی داروینی یک خلق، مورد توجه خاص ناسیونالیسم افراطی است زیرا همبستگی احساسی موجود را به شکل یک خودآگاهی ملی تعمیق می دهد.

خویشاوندیها و گروههای همخونی به یک گروه بزرگتر ارتقا داده می شوند. بین این خواستگاه و ریشه های قومی مرتفع شده و دیگر ارزشهای فرهنگی یک رابطه ای احتمال داده می شود، تا بدینوسیله درجه بالایی از هویت برای توضیح خویشاوندی مجموعه خلق کشف شود. در ناسیونالیسم رادیکال این ارتباط تنگ ، احساسی و اتنیکی توسط تبلیغات به عنوان پدیده و موجودیت طبیعی محسوب می شود تا بدینوسیله از بررسی و ارزیابی واقعی ملتها ممانعت بعمل آید.

## شوونیسیم مردانه

واژه شوونیسیم مردانه در سالهای ۱۹۷۰ توسط جنبش زنان خلق شد. این واژه نقش تعیین کننده مردان (مرد سالاری) را می رساند یعنی تفکری که تنها بر حسب جنسیت (مردانه) ادعای تسلط بر زنان را مقدر می گرداند. امروزه با کنایه کسی را که ضد زن صحبت و یا رفتار می کند را هم مشخص می کند.

## شوونیسیم زنانه

نویسندگانی مانند نیکولوس داویدسون مؤلف **The Failure of Femenism** نوشته اند که این نوع شوونیسیم از سالهای ۱۹۷۰ رشد کرده است که در برابر شوونیسیم مردانه قرار دارد. شوونیسیم زنانه مدعی تفکر و ارزش گذاری برای جنسیت زن در برابر جنسیت مردانه است. در ارتباط با شوونیسیم زنانه واژه **Misandri** نیز بکار می رود.

## شوونیسیم دینی

شوونیسیم دینی یک پدیده متعارف با شوونیسیم ملی است. شوونیستهای دینی معتقدند که دارای دین عالی و برتر هستند و به عنوان پیروان دین خودشان، در برابر معتقدین به دینهای دیگر احساس برتری می کنند.

## شوونیسیم زبانی

شوونیسیم زبانی با برتر ارزیابی کردن زبان خود به بی ارزش کردن زبانهای غیر خودی به شکل افراطی می پردازد. شوونیسیم زبانی اغلب با تولد نوین ملتها و در محدوده اتنیک شناسی اهمیت پیدا می کند. چیزی که به زبان مشترک تکیه می کند و می خواهد یک زبان ملی را در جامعه مستقر کند. شوونیسیم زبانی تصفیه و نابودی زبان های اقلیتها را با سیاستهای مخرب پیش میبرد.

## شوونیسیم اجتماعی

شوونیسیم اجتماعی بر تفکر زیر مجموعه فرهنگی خودی در برابر بخشهای دیگر اجتماع تکیه می کند. در این راستا با توسل به تفکرات اخلاقی به برتر جلوه دادن طبقه ، کاست و قشر خودی برای کسب رفاه و آموزش با غرور و ادعای بیش از حد برای برتری و عالی خلق شدن گروههای صاحب امتیاز در برابر ازلی پنداشتن موجودیت تبار و اقوام پست می پردازد. در کنار این شوونیسیم اجتماعی عمودی می تواند یک شوونیسیم افقی در محیطهای مختلف اجتماعی و در سطوح تقریباً برابر وجود داشته باشد، مثلاً در میان گروههای شغلی گوناگون، در میان موقعیتهای و وضعیتهای خانوادگی (مطلقین در مقایسه با زوجها، تنها فرزند خانواده بودن در برابر فرزند خانواده پرجمعیت بودن) یا متعلقین به انواع فعالیتهای اوقات فراغت و آزاد.

## اویان آذربایجان!

قالخ ایغا گوستر یئنه قدرتی نی آذربایجان  
آل قیشلا سین قوجا تاریخ غیرتی نی آذربایجان  
ال بیر اولوب اییدلرین باغیرمالی بسدیر تالان  
سۆز بیر اولوب آیدینلارین سویله مه لی یئتر بلان  
وارلیغینی یوخ ساینلار اهانتی ائدیر عیان  
چیر ما قولون ساخلا اؤزون حورمتینی آذربایجان  
قالخ ایغا گوستر یئنه قدرتی نی آذربایجان  
سن اؤزگه دن اوموب کوسمه سن سن اولسان سنه یئتر  
اوغلانلارین قوخماز ستار هر بیر قیزین قوچاق هجر  
حق سنله دیر حقین گوجو ظالمی لری کسر بیچر  
حق یولوندا حقه تاپشیر ملتینی آذربایجان  
قالخ ایغا گوستر یئنه قدرتی نی آذربایجان  
ساتقین یوباز قولوقچولار وارلیغینی سایا سالماز  
ائولادینی انسان بیلمز بیلسه دیلین باغلی قالمز  
گوندن گونه یاد الینده جنت یوردون تالان اولماز  
قیر زنجیری آزاد ائله تربیتی نی آذربایجان  
قالخ ایغا گوستر یئنه قدرتی نی آذربایجان  
سن دؤزدوکجه دیلی اوزون یاد اوزله نیر لاپ قودورور  
گۆز اؤنونده حقلرینی بیر بیر دانیر قارشی دورور  
دوز سۆزونو بوغازیندا بوغور حقی ترسه یورور  
گیرمیدانا کئری قایتار غزینی آذربایجان  
قالخ ایغا گوستر یئنه قدرتی نی آذربایجان  
اؤز دردینین چاره سین قیل اؤز غمینین دردینه یان  
بسدیر اؤزگه اوجاغیندا یانیب کول اولدوغون اویان  
آپارتایدین یئخ زندانین آزاد ائللر وئرسین فرمان  
دینله ده ده قورقودونون صحبتینی آذربایجان  
قالخ ایغا گوستر یئنه قدرتی نی آذربایجان  
دیلی باغلی قولو باغلی تورک ائلمین اوجاغیسان  
گله جه گین دوغرو یولو آیدینلیغین چراغیسان  
بابکلرین دریوشدویو قورتولوشون بایراغیسان  
اؤزون قورو ملتینی دولتینی آذربایجان  
قالخ ایغا گوستر یئنه قدرتی نی آذربایجان

اسماعیل جمیلی

ن

نشریه اجتماعی سیاسی فرهنگی

آچیق سۆز شماره اول

صاحب امتیاز: جمعیت اسلامی دانشجویان

دانشگاه زنگان

مدیر مسئول: داود خداکرمی

زیر نظر شورای سردبیری

با همکاری اعضای

جمعیت اسلامی

## ترکی هنر است

«نصف جمعیت ایران (۳۵ میلیون نفر) تورک می باشند.  
«سومین و یا به عبارتی دومین زبان کامل و با قاعده دنیا زبان  
تورکی می باشد.

«ادبیات شفاهی تورکان (مخصوصاً آذربایجان) جزو غنی ترین  
ادبیات های شفاهی دنیا می باشد.

«نام هشتاد درصد (۸۰٪) از مناطق آلاسکا در آمریکای شمالی  
تورکی می باشد این گفته محققین آمریکایی و اروپایی است. تأمل  
کنید.

«اولین زبانی که بشر به آن صحبت کرده زبان تورکی می باشد و  
بسیاری از کلمات زبان های امروزی ریشه تورکی دارند.

«ساکنان اصلی آسیای مرکزی تورک ها هستند و «هیت ها» و  
«سومرها» که اولین مدنیت ها را به وجود آورده اند از طوایف  
تورک نژاد بوده اند (و تاریخ تورک های ایران به بیش از ۷ هزار  
سال قبل می رسد).

«نادر شاه افشار در اصل زنجانی بوده و از طایفه قیرخلوی  
(قاریخلو) افشار و انگوران زنجان می باشد [این طایفه هنوز هم در  
منطقه افشار زنجان ساکن می باشند].

«تورکها در طول تاریخ بت پرست و مشرک نبوده اند و هزاران  
سال قبل از ظهور اسلام نیز خدای آسمان همان «گۆگ تانری»  
(گۆگ (گۆی)=آسمان و تانگری (تاری)=خدا) را پرستش می  
کردند.

«مستشرق مشهور آلمانی ، «خون لی کوک» بعد از سال ها تحقیق  
در ترکستان شرقی ، اطلس زنگی زیبایی از آثار تمدن تورکان  
اویغور تهیه کرده و در کتاب «اطلس مصور درباره هنر و تمدن  
آسیای میانه» مینویسد ک نمونه لباس های اروپایی در قرن وسطی  
و قرن های بعدی در تورکستان موجود بوده اند و از آنجا لباس  
های حاضر از جاده ابریشم به اروپا آورده شده است.

«پروفیسور «مونتاندون» استاد قوم شناسی پاریس و مؤلف کتاب  
«قوم شناسی فرهنگی» معتقد است که کت و شلوار از تورکان  
آسیای مرکزی به چین و اروپا رسیده و کلاه (قالباخ یا بۆرک)  
و همچنین چکمه به وسیله تورکان به وجود آمده است.

«و «تاریخ تمدن جهان نوشته ویل دورانت» چنین می گوید که :  
اسلام در شبه جزیره عربستان متولد شد ولی توسط تورک ها در  
پشت اسب ها با منطق و شمشیر به اقصی نقاط دنیا رسوخ و نفوذ  
داده شد و عامل مسلمان شدن بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت  
۱/۵ میلیاردی مسلمانان دنیا ، تورکان می باشند.

چند نکته که دانستن آن برای تورک های ایران ضروری است :  
«کسی که زبان مادری خود را نداند وحشی است.(ضرب المثل  
فرانسوی)

«کسی که نتواند به زبان مادری خود بنویسد و بخواند بی سواد  
محسوب می شود.(این دستورالعمل یونسکو است.)

**جمعیت اسلامی دانشجویان از عموم  
علاقه هندان جهت همکاری در انتشار  
نشریات و برگزاری برنامه های بهتر  
در سال جاری صمیمانه دعوت به  
همکاری می نماید.**